

## شکران و سپاس

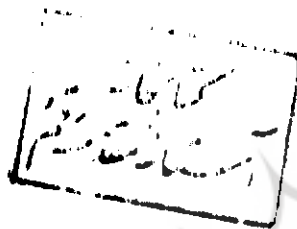
علت حقیقی و سبب واقعی دوام ده ساله مجله ارمنان دستیاری و پایمردی معدودی از دوستان ادب و عشاق حقیقی شعر و سخن است که در ولایات بنام نمایندگی از هیچ گونه همراهی با این مجله دریغ نفرموده و با تحمل اینهمه زحمات غالباً وجه اشتراك خود را نیز پرداخته اند.

اینک سپاس و شکران بی نهایت خود را ارمنان خدمت آن دستیاران ادب داشته و در سال دهم چشم داریم که بیش از پیش گوشدار ارمنان باشند .  
بحکم ( من لم یشکر الناس لم یشکر الله ) در این سال شرح حال و خدمات تمام نمایندگان را که هر يك ادیب و سخن سنج یا نقاد سخن هستند بتدریج با گراور آنان زبب صفحات ساخته و از نظر قارئین عظام میگذرانیم .

## ( سرود - ترانه )

امروز بحکم مقتضیات زمان برابواب شعر باب دیگر بنام ( سرود یا ترانه ) و بزبان عوام تصنیف باید افزوده شود .  
اینگونه شعر ( سرود ) که باموسیقی دست در آغوش است محل اطمینای شعرای قرن اخیر نبوده و از این سبب بحالت ابتذال افتاده و چیزهایی که بنام ( سرود ) بوسیله صفحات گرامافون درعالم منتشر میشود غالباً بوق رسوائی ادبیات ماست که در بازار جهان میزنند میشود .  
امروز جامعه ایران بدینگونه شعر یعنی سرود بیشتر از سایر اصناف شعر محتاج است زیرا سرود و ترانه بیشتر در جامعه عوام مؤثر و زودتر منتشر و در تأثیر و ایزت افزونتر بکار میآید .  
چون بی اطمینانی اساتید سخن میدان سرود و ترانه را بدست نادان داده

و اینگونه سخن و شعر را مبتذل ساخته ازین پس باید شعرا و ادبا توجه و اعتنای کامل بدین قسمت کرده نادان را از میدان دور و سرود را از لباس ابتدال عاری و برای آن قواعد و اصولی مانند اساتید باستان مدون سازند .  
چون این مقاله نخستین گفتاریست که در این موضوع نگاشته میشود ما برای توضیح مطالب از بسط سخن ناگزیر و نکات و دقایق را در ضمن شش بخش روشن خواهیم ساخت .



- اول - سرود در شعرای باستان عرب
- دوم - سرود در شعرای باستان عجم
- سوم - محسنات سرود .
- چهارم - تفاوت مابین شعر و سرود از حیث قواعد عروض و قوافی
- پنجم - لزوم تدوین قواعد سرود بر طبق قواعد عروض و اصول قوافی
- ششم - شرح اختراع و ابتکار مدیر ارمغان در این موضوع

### — ☆ بخش اول ☆ —

« سرود در شعرای باستان عرب »

سرود در شعرای باستان عرب بنحوی اکمل و اتم و چندین قسم با چندین اسم وجود داشته است .

تاریخ ادبیات عرب دوره خلفای اموی و عباسی را مبداء سرود نشان میدهد ولی این تاریخ راجع بسرود خواص است و در طبقه عوام مسلم بیش از غزل و قصیده سرود موجود بوده چنانچه در ایران هم اکنون محسوس می بینیم که طبقه عوام دور از تمدن مانند اهالی ایل و رستاهای دور از شهر در ماتم و سرور اشعاری سرود مانند دارند که بزبان عوام ترکیب و تلفیق شده در صورتی که غزل و قصیده دور از لحن و غلطاً ابدأ در آنان وجود ندارد .

سرود را در شعرای باستان عرب بعد از اسلام یعنی از دوره خلفای اموی و عباسی باینطرف مطابق شرح ذیل دانشمندان معرب و عرب بهفت قسم منقسم ساخته اند .

### ( اول قریض )

شعر قریض عبارتست از قصیده و غزل و تشبیب و فرق مابین این سه قسم در محل خود مبین است .

### ( دوم موشح )

مخترع شعر موشح مقدم بن معافر عزیری از اهل اندلس و مهندس آن ابن سنا ملک است .

### ( سوم دو بیت )

دو بیت را عرب از فارس گرفته و مخترع آن چنانچه شمس قیس مینگارد رودکی است و عجب این است که این قسم شعر در فارس رباعی و در عرب دو بیتی معروف شده است چنانچه بیمار خانه را در مصر خسته خانه و در ایران مریض خانه میگویند! در این سه قسم شعر محافظت و وزن و اعراب واجب و لحن و غلط غیر مغتفر است چنانچه در مثل گفته اند ( یرضی الشاعر بهدم بیته لباخلال بیته )

### ( چهارم زجل )

زجل در لغت بمعنی صوت و در اصطلاح عبارتست از يك قسم مخصوص شعر که مخترع آن نیز يك نفر از شعرای اندلس است موسوم به ابوبکر بن قرمان قرطبی این نوع شعر پس از مشروطیت گاهگاه در ایران ساخته شده بگمان تقلید از اروپائیان ولی اگر دقت کنند تصدیق خواهند کرد که مخترع عرب اندلسی است و اروپا مقلد است نه مخترع .

### ( پنجم موالیا )

موالیا عبارتست از يك نوع خاص شعر مشتمل بر يك وزن و چهار قافیه و

مخترع آن کنیز جعفر برمکی است چون پس از قتل جعفر هرون امر کرد که احدی بشعر مرثیه برای او نسازد پس کنیز او این نوع شعر را اختراع کرده و مرثیه ساخت تا مخالفت با خلیفه نکرده و حق مولای خویش را هم ادا کرده باشد. وجه تسمیه به ( موالیا ) هم این است که آن جاریه در خانمه هر ندبه و گریه میگفت « یا موالیا »

### ( ششم قوما )

قوما عبارتست از يك نوع مخصوص شعر مانند بحر طویل های فارسی و مخترع آن ( ابن نقطه ) است برای خلیفه ناصر عباسی و بعضی گویند پیش از ناصر اختراع شده و ناصر اینگونه شعر را در مجالس طرب بکار میبرد و پس از آن اهل بغداد در زمان خلفای عباسی برای سحر خیزی برسم سحر خوانی بکار میبرده اند و شاید بهمین سبب بقوما معروف شده باشد

### ( هفتم کان و کان )

کان و کان دارای يك وزن و قافیه و شطر اول درازتر از شطرنانیست قریب بشعر مستزاد فارسی.

مخترع ( کان و کان ) اهل بغدادند و خیافات و حکایات عامیانه را بدین طریق منظوم میداشته اند و پس از کثرت و شهرت این نوع شعر در میان عوام ابن جوزی و شمس الدین واعظ کوفی و پیروان آنان مواعظ و نصایح و حکم را بدین طریق برای آنکه بیشتر در طبقه عوام مؤثر افتد منظوم داشته اند. در این چهار قسم لحن و غلط مغتفر است و مراعات اصول اعراب و قواعد عروض و قافیت لازم نیست بلکه مخالفت شرطست. بعضی در ( موالیا ) اعراب و لحن هر دو را جایز شمرده و موالیا را برزخ بین آن شش قسم دانسته اند ولی جمهور بر خلاف این عقیده اند میگویند ممکن نیست در يك

بیت شعر يك قسم ملحون و قسمت دیگر معرب باشد و حتماً باید معرب و ملحون از یکدیگر جدا باشند

\*\*\*

این چهار قسم که لحن و غلط اعرابی و عروضی در آنها جایز بلکه واجب است در عرب بمنزله سرود در فارسی است و در مرثیه هم بکار میرود چنانچه وزن سرود فارسی در مویه نیز بکار میرود

### — بخش دوم —

#### \* سرود در شعرای باستان عجم \*

در شعرای باستان عجم از عصر رودکی تا آغاز دولت صفویه سرود سازی رواجی بسزا داشته و هر بحوری از بحور شعر فارسی دارای ملحونات مخصوص بسرود بوده است .

آنچه از تتبع و تفحص در آثار قدما معلوم میشود این است که غزل و قصیده و تغزل در عرب و عجم غالباً در موسیقی بکار میرفته و آوازه که غزل یا قصیده در آن خوانده میشد مانند این زمان غیر از آن آهنگ بوده که سرود در آن ادا میگشته است .  
عبارت دیگر ، دستگاہ و مقامات آواز که شعب بسیار در موسیقی قدیم داشته و اکنون هم نمونه از آن در دست است مانند شور و شهنواز و غیرهما مخصوص خواندن غزل بوده و برای سرود یا تصنیف ارباب موسیقی تلفیقات خاص داشته اند مطابق مقامات آواز و شعرای بزرگ مانند رودکی و فرخی و دیگران در ساختن سرود شرکت میکردند .

برای بحور شعر مطبوع و گوارای فارسی نیز در علم عروض بنام ملحونات (۱)

عنوان واسامی خاص موجود است چنانچه شمس قیس در کتاب المعجم بعضی از

(۱) ملحونات بحور مطبوع مخصوص سرود بوده و بزبان عوام ساخته میشده

از آنها را نام میبرد .

\* در باب رباعی در صفحه ۹۰ گوید \*

وبحكم اينك ارباب صناعت موسیقی بر این وزن الحان شریف ساخته اند و طرق لطیف تالیف کرده و عادت چنان رفته است که هرچه از آن جنس بر ابیات تازی سازند آنرا قول خوانند و هرچه بر مقطعات پارسی باشد آنرا غزل خوانند اهل دانش ملحونات این وزن را ترانه نام کردند و شعر مجرد آنرا دو بیتی خواندند برای آنکه بناء آن بر دو بیت پیش نیست و مستعربه آنرا رباعی خوانند انتهى

\* نیز در صفحه ۸۰ گوید \*

و این وزن خسرو و شیرین نظامی و ویس و رامین فخری گرگانی است چنانکه پیش از این در بحر وافر گفته ایم و خوشترین اوزان فهلویانست که آنرا ( اورامنان ) خوانند انتهى

سرود اورامن در پارسیان بسیار معمول و مطبوع بوده چنانچه در خوبی

ضرب المثل شده و قافیه میگوید  
زبانك كوس چنان اندر اهتر از آید که هوش پارسیان از سرود اورامن  
باری آنچه از تصفح کتب معلوم و مسلم میشود این است که سرود در قدیم بسیار معمول بوده و هر بحری ملحونات داشته با اسم مخصوص و در دوره صفوی که عصر انحطاط شعر و ادب و شاید موسیقی هم بشمار است و روحانی نمایان با نفوذ باهل شعر و موسیقی بی نهایت سخت گیری میکردند مسام ملحونات قدیم از بین رفته و شعرای متوسطین هم پیرامون آن نگشته اند تا درجه که سرود سازی دون مقام شاعری شناخته شده است .

شعرای نزرک عصر قاجاریه هم با مقام و مرتبه استادی بهمین مناسبت پیرامون سرود نگشته اند تا بتدوین قوانین و اصول چه رسد .

شعرای معاصر هم پیروی از پیشینیان کرده و درین میدان سمند ذوق را جولان نداده و نمیدهند و بهمین سبب مهمالات و ترهاتی چند بنام سرود در صفحات گرامافون با بهترین آواز و ساز تلفیق شده و در حقیقت رونق سنّاز و آواز را برده است .

در میان اینهمه ترهات و مهمالات سرودهای مهیج خوب هم دیده میشود و بعقیده نگارنده استاد این صنعت امروز حضرت ( عارف ) است انهم در مقابل حوادث پایداری نتوانسته و در همدان گوشه انزوا و عزالت و خمود اختیار کرده و میدان را بدست مهمل گویان سپرده است .

امید است شعرای دانشور بیش از این راضی برسوانی مملکت نشده و چنانچه بعضی در میدان سرود وارد شده اند سایرین هم وارد گردند تا مهمل گویان بکنار روند

( بقیه دارد )

( وحید )

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

